# شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

سال هفدهم
۰۳ مرداد ۱۴۰۵
۱۰ صفر ۱۴۴۸
شماره ۴۸۱۶

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه
فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
● صاحب امتیاز
شهرداری مشهد
● مدیرمسئول
سید میثم موسوی‌مهر
● سردبیر
سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
● نمابر
۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
● روابط عمومی
۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
● شماره پیامک
۳۰۰۰۷۲۸۹


اوقات شرعی مشهد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ● اذان ظهر ۱۱:۳۸:۰۶ | ● غروب آفتاب ۱۸:۴۳:۱۳ | ● اذان مغرب ۱۹:۰۳:۳۷ | |
| ● نیمه شب شرعی ۲۲:۴۷:۵۰ | ● اذان صبح فردا ۰۲:۵۲:۲۶ | ● طلوع آفتاب فردا ۰۴:۳۲:۵۹ | |

## تقویم تاریخ

۳ مرداد

امروز سالروز درگذشت **دکتر ضیاءالدین سجادی**، مصحح و پژوهشگر مشهدی ادبیات است که در سال ۱۳۷۵ دار فانی را وداع گفت.

۳ مرداد ۱۳۹۳ **آیت ا... عزیزا... عطاردی قوچانی**، روحانی مدفون در حرم امام رضا(ع) و مؤسس مرکز فرهنگی خراسان (مرجع نسخ خطی) درگذشت.

کوچه

# معجزه مهندسی ایرانی

غلامرضا نبی اسدی
روزنامه نگار

ما ایران هستیم. دیرینه سال و بزرگ و باشکوه. با تمدنی که هزاره ها را از پی هم چون کتابی ورق زده و پیش آمده است. فرازهای بلند را زیسته ایم و فرودها را هم به تلخی تجربه کرده ایم. همین تلخ و شیرین روزگار است که ما را به هوشیاری مضاعف رسانده است. ما به اندازه آنچه دیگران فیلم ساخته اند، جنگ دیده ایم. به اندازه ای که دیگران آرزو می کنند ما خاطره داریم. خیلی از دشمنان را تمام کردیم و ما اما همچنان ایستاده ایم در هیئت پرهیبت ایران. امروز هم در جنگی دیگر، در آوردگاه های گوناگون، دوباره ایستادن را معجزه وار زندگی می کنیم. صفحات اول را در میدان به صدای بلند خوانده ایم. خیابان را سرمه چشم جهان کرده ایم. مقتدرانه دیپلماسی را پیش برده ایم، اما این همه نیست، که کتاب حماسه ایرانی فصل های پرشماری دارد که باید خواند. به تعمق هم باید خواند که هر صفحه اش ظهور یک معجزه است. بله، اعجاز آنگاه که در قامت یک ملت ظهور می کند، دیگر فقط در لحظه نبرد معنا نمی یابد، در فرهنگ یک جامعه ریشه می دواند، در حافظه جمعی خانه می کند و به سرمایه ای نمادین برای بازسازی آینده بدل می شود. از این منظر، آنچه امروز شاهد آن هستیم، صرفا مجموعه ای از موفقیت های نظامی، سیاسی یا فنی نیست، بلکه بعثت مردمانی است که در متن آزمون های سخت، به بلوغ تاریخی رسیده اند. ملتی که در بزنگاه خطر، نه تنها از هم نمی پاشد، بلکه خود را دوباره تعریف می کند و ظرفیت های نهفته خویش را به میدان می آورد. مهندسان، متخصصان، کارگران و مدیرانی که هر بار و هر جا، ویرانی را به آبادانی و تهدید را به امکان تبدیل کرده اند. پل ها را زدند، در چند روز، دوباره بر شانه ستون ها قد علم کردند و راه شدند. کارخانه ها را به بمب و موشک، کوفتند اما در زمانی کوتاه، با همت بلند فرزندان این سرزمین، نه تنها به مدار تولید بازگشتند، که گاه استوارتر از گذشته قد کشیدند. پالایشگاه را زدند، پیش از آنکه شعله های آتش خبر خود را به آسمان برسانند، دست های توانای ایرانی در زمین، علاج آن را یافته بودند. هرجا خطر بود، خاطره ای از ایستادگی ساخته شد و هرجا موشک و بمب فرود آمد، معجزه تدبیر، افسون قدرت نمایی دشمن را باطل کرد. ملت تنها با مرزهای جغرافیا تعریف نمی شود، ملت، محصول روایت هایی است که درباره خویش می سازد و بازگو می کند. اگر روایت یک جامعه تنها بر رنج و ویرانی استوار شود، حافظه جمعی آن نیز در مدار شکست بازتولید خواهد شد. اما اگر روایت، توان برخاستن، ساختن و دوباره آغاز کردن را در مرکز خود قرار دهد، آن گاه امید به بخشی از هویت ملی تبدیل می شود. راز ماندگاری ایران نیز شاید همین باشد، اینکه هر ویرانی را به فرصتی برای بازآفرینی بدل کرده و هر بحران را به آزمونی برای آشکار شدن ظرفیت های فرهنگی و تمدنی خود تبدیل ساخته است. هرچه را انداختند دوباره علَم کردیم. ما در این آزمون، یک شبه صد سال بزرگ شدیم. دشمن می خواست آنچه را ساخته بودیم، تا یک قرن به عقب براند، اما آن آرزو، به رؤیایی دست نیافتنی بدل شد. این همان اعجاز رشدیافته ای بود که در فرزندان ایران تجلی یافت. صفحات مهندسی، صنعت، کار و بازسازی را باید ورق زد و سطر به سطر خواند تا هم ما یقین کنیم و هم دنیا بداند که مهندسان ایرانی در خلق معجزه شانه به شانه مردان میدان پیش می روند. باید با صدای بلند خواند چه این صفحات، بخش جدایی ناپذیر از روایت مقاومت ملی اند. مقاومتی که در کارخانه نیز هست، در نیروگاه، در پالایشگاه، در آزمایشگاه، بر عرشه پل های بازسازی شده و در دستان کارگری که آوار را به فردا پیوند می زند.

باری، ما از نهم اسفند ۱۴۰۴ تا امروز، مدام، شاهد تجلی اعجاز در شکوه ایرانی هستیم. اعجازی که نه به معنای نفی دشواری ها، بلکه به معنای توان عبور از آن هاست. نگاه بیگانه، زندگی را در ویرانی ما جست وجو می کند و فروریختن ایران را آرزو می کشد، اما راز این سرزمین، در سنت دیرپای برخاستن است. ما هر بار که خواسته اند فروبریزیم، قد کشیده ایم، هر بار که خواسته اند امید را از ما بگیرند، امید را دوباره ساخته ایم. ما همچنان و همیشه، ایرانیم، آیران!

حدیث

**امام صادق(ع):**

**غیبت نکن که از تو غیبت می شود و برای برادرت چاه مَکَن که خود در آن می افتی، زیرا با هر دست بدهی، با همان دست، پس می گیری.**

الأمالی للصدوق: صفحه ۵۰۵ حدیث ۶۹۷

اول شخص

# چراغ برج بندر سو نِداره...*

**درباره برج مراقبت دریایی چابهار، نماد نبوغ و توانمندی ایرانی که زیر آتش موشک باران دشمن به طور کامل فروریخت**

**مریم شیعه زاده|** اولش صدای غرش می آید و بعد دود، قامت سپیدش را می پوشاند. موشک های آمریکایی، باز بر تن باریک و بلند برج فرود آمده اند و برج، این بار توان تحمل ندارد. تعادلش به هم می خورد. قسمت بالایی، متمایل می شود. قامت چند ده متری سازه به یک سو خم می شود. فروریختن ساختمان های بلند همیشه چند ثانیه ای میان بودن و نبودن معلق می ماند. چند ثانیه ای که در آن، چشم هنوز باور نمی کند آن حجم بتن و فولاد واقعا تسلیم شده باشد. برج فرومی ریزد. توده ای خاکستری در هوا بلند می شود و آسمان ناگهان خالی تر می شود.

مرکز کنترل ترافیک دریایی چابهار که پیش تر هم در حملات دشمن آسیب دیده بود، در حمله بعدی، به طور کامل فرو می ریزد. سازه ای که سال ها بخشی از خط آسمان چابهار بود. مردم شهر آن را از دور می دیدند. ماهیگیران هنگام بازگشت از دریا، کشتی ها هنگام نزدیک شدن به ساحل و کارکنان بندر در رفت وآمد روزانه شان، حضور آشنایش را پذیرفته بودند. برج مثل چراغی در راهرو تاریک، آن قدر لازم و همیشگی بود که اهمیتش تنها وقتی آشکار شد که از قاب بیرون رفت. دریای عمان، باز زیر نور روز، آرام تر به نظر می رسد وکشتی ها در بندر پهلو می گیرند، اما چشم بندر، دیگر آنجا نیست.

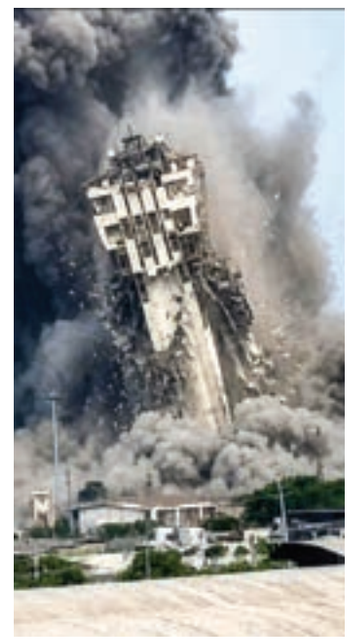

### سازه‌ای برای نجات

ارتفاع، فقط امکانی بود برای آنکه چشم های انسانی و ابزارهای الکترونیکی بتوانند افق وسیع تری را ببینند. ارزش واقعی برج مراقبت دریایی در اتاق هایی بود که در دل خود جای داده بود. در صفحه های رادار، سامانه های مخابراتی، دوربین ها، گیرنده های شناسایی شناورها و صداهایی که از بی سیم میان ساحل و دریا ردوبدل می شد. بندر شهید کلانتری، یکی از دو مجموعه اصلی بندری چابهار است و برج مراقبت آن، سازه ای با ارتفاع حدود ۶۶متر و زیربنایی نزدیک به ۱۸۰۰مترمربع بود. این برج مرکز کنترل ترافیک دریایی، سامانه های پایش شناورها و ظرفیت های مرتبط با جست وجو و نجات بود. این سازه در سال های گذشته به دلیل طراحی و اجرای بتنی اش هم مورد توجه قرار گرفته بود. کنترل ترافیک دریایی، چیزی شبیه برج مراقبت فرودگاه است.

با این تفاوت که باند آن از آب ساخته شده است و مرزهایش مدام با موج و باد تغییر می کند. اپراتورها مسیر شناورها را دنبال می کنند، هویت و موقعیت آن ها را می سنجند، ورود و خروج کشتی ها را هماهنگ می کنند و در شرایط خطر، اطلاعات لازم را به ناخداها و نیروهای امدادی می رسانند. در بندری که کشتی های تجاری، قایق های خدماتی، یدک کش ها و شناورهای کوچک محلی هم زمان در حرکت اند، یک خطای ساده می تواند به برخورد، آتش سوزی، انسداد مسیر یا آلودگی دریایی منجر شود. برج باید می دید اما فقط دیدن کافی نبود. باید می شنید، ثبت می کرد، هشدار می داد و میان چندین بخش هماهنگی ایجاد می کرد. وقتی شناوری در هوای نامساعد از مسیر خارج می شود، وقتی موتور یک قایق از کار می افتد یا وقتی کشتی بزرگی برای پهلوگرفتن به راهنمایی نیاز دارد، زیرساخت مراقبت دریایی از یک ساختمان اداری به بخشی از زنجیره حفظ جان انسان ها تبدیل می شود.

### زیرساخت؛ ارزشمند پس از فقدان!

چابهار تنها بندر اقیانوسی ایران است؛ بندری رو به دریا عمان و آب های آزاد، بیرون از تنگه هرمز. این موقعیت، آن را به نقطه ای مهم برای تجارت منطقه ای، ترانزیت کالا و ارتباط ایران با هند، افغانستان و آسیای میانه تبدیل کرده است. زیرساخت ها معمولا بی صدا کار می کنند. به همین دلیل هم اغلب ارزششان را پس از فقدانشان می فهمیم.

حمله به زیرساخت را نمی توان صرفا با تعداد ستون های شکسته یا مترمربع بتن فروریخته اندازه گرفت. هر زیرساخت، شبکه ای از کار، زمان، تخصص و اعتماد عمومی است. نابودی برج مراقبت دریایی چابهار، بریدن حلقه ای از زنجیره ای است که زندگی عادی را ممکن می کند. در زبان جنگ، زیرساخت ها گاهی به هدف هایی سرد و بی جان تبدیل می شوند. این واژه ها روی نقشه فقط نقطه اند اما در زندگی واقعی، هرکدام راه رسیدن نان، دارو، سوخت، مسافر و نیروی امدادی اند. برج کنترل ترافیک دریایی فقط مراقب کشتی های بزرگ نبود، بخشی از نظام ایمنی پهنه ای بود که ماهیگیران، کارکنان بندر، ملوانان و ساکنان ساحل زندگی شان را به آن سپرده اند. همین درهم تنیدگی است که حمله به زیرساخت ها را از نظر انسانی و حقوقی حساس می کند. اصل تفکیک و اصل تناسب در حقوق مخاصمات مسلحانه، طرف های درگیر را ملزم می کند میان هدف نظامی و اموال غیرنظامی تفاوت بگذارند. از حملاتی که زیان غیرنظامی آن بیش از اندازه است، پرهیز کنند.

محکوم کردن حمله به زیرساخت های ایران، دفاع از حق مردم برای ادامه زندگی است. زیرساخت متعلق به لحظه جنگ نیست. ممکن است موشک در چند ثانیه آن را پایین بیاورد اما بازسازی اش سال ها بودجه، نیروی انسانی و آرامش می خواهد. برج مراقبت چابهار، فراتر از بتن و فولاد، نادی امنیت دریا و نماد متصل کننده زندگی ساحل نشینان به افق های دور بود. ویرانی این سازه، گسستن زنجیره حیاتی زیست روزمره، ایمنی ملوانان و شریان اقتصادی یک ملت است. پیامدهای حقوقی و انسانی انهدام زیرساخت ها سال ها بر گرده مردم باقی می ماند. یادمان باشد دفاع از این چشم های فروریخته، دفاع از سنگ و بتن نیست؛ ایستادن پای حق بدیهی جامعه ای است که می خواهد در سایه امنیت، آرامش و امید به فردا، زندگی را ادامه دهد.

***برگرفته از یک ترانه محلی هرمزگان، با صدای مرحوم ابراهیم منصفی**

## عکس روز

**اینجا آب شیرین کن بونجی جاسک است، شاید تا امروز اسم این نقطه از جغرافیای ایران به گوشمان نخورده بود؛ اما حالا باید خوب ببینیم و به خاطر بسپاریم بونجی را که چطور در جرگه زیرساخت هایی قرار گرفت که دشمن ابدی ما آمریکا به آن حمله ور شد.**

**ماحصل تخریب سد، حالا بی آب شدن بیست روستا در این گرمای طاقت فرساست. ۱۰هزار نفر در جنوب ایران از زن و مرد و پیر و جوان تا کودکان این روستاها حالا حتی آب هم برای آشامیدن ندارند.**

عکس: سعید گلی

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.


تمدید شد

**مالکین و ذینفعان محترم**

تمدید شد

در راستای تکریم حقوق شهروندی؛ مهلت مراجعه جهت ترخیص لوازم و مصالح ساختمانی جمع آوری شده از محل تخلفات ساختمانی تا پایان شهریور ماه ۱۴۰۵ تمدید شد.

مالکین می توانند حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱ به اداره نظارت بر ساخت و سازها منطقه برای دریافت لوازم خود مراجعه فرمایند.

عدم مراجعه در مهلت مقرر، به منزله اعراض از مال تلقی گردیده و مشمول قوانین و مقررات مربوطه خواهد شد و هیچ گونه مسئولیتی متوجه شهرداری نخواهد بود.